

پایاند. به همین دلیل، سالماندی در
گسلان تنها یک مسأله پزشکی نیست؛
مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی و حتی
سهری است. خیابان‌هایی که برای
افراد کم‌توان نمونه‌سازی نشده‌اند،
همه‌وقت عموماً شاهد شاور، کمبود
مراکز توانبخشی و مراقبت در منزل و
دسترسی نابرابر به خدمات درمانی،
هزینه‌های آتی آینده‌ای هستند که نیاز
از امروز برای آن آماده شد. حتی نظام
بازنشستگی نیز از این تغییر در امان
نیست. شمار مستمری‌گیران تأمین
اجتماعی گیلان در سال‌های گذشته
به شکل چشمگیری افزایش یافته
و بخش بزرگی از آنان را سالمندان
تشکیل می‌دهند.

سالمندی
فقط سالمندان نیست

پیش‌رشد گیلان در نهایت به مسأله همه نسل‌ها تبدیل خواهد شد. براساس تعداد سالمندان افزایش یابد، تقاضا برای پزشک، پرستار، توانبخشی، مراقبت در منزل، خدمات روان‌شناختی و مراکز اقامتی سالمندان نیز بیشتر می‌شود. تغییر ساختار خانواده این مسأله را پیچیده‌تر می‌کند. خانواده‌های کشوری از بار گذشته می‌توانستند با افزایش مراقبت از سالمند بار و دوش بگیرد، در حال کوچک‌تر شدن است. فرزندان دیگران که در شهر یا استان دیگری زندگی کنند و سالمند در خانه‌ای تنها

مؤثر و دردمان، تصمیم به فرزندآوری
قرار دادیم بسیاری از زوج‌ها به تصمیمی
فراقوامی تبدیل کرده‌اند. از سوی دیگر،
فیلان با یک مشکل دیگر مواجه است:
خروج بخشی از جمعیت جوان و برود
بخشی از جمعیت سالمند. جوانی که برای
تحصیل یا یافتن شغل به تهران، کرج یا
شهرهای بزرگ دیگر می‌رود، ممکن است
هرگز به آنجا نرود. از زمان دانشتگی، به
گیلان بازگردد. آب و هوا، طبیعت و زندگی
نیز گیان را به مقصدی جذاب کرده
است. با این است که سایر استان‌ها نیز برای
زندگی، به آن ترتیب، بخشی از مهاجرها
می‌تواند به تغییر ترکیب سنی جمعیت
منتهی شود: جوانان خارج می‌شوند و
سالمندان وارد می‌شوند.

●● میانگین
سن مادران
گیلانی در
نیمه نخست
امسال
۳۱.۵۳ سال
بوده است.
فرزندان اولی
و دوم عمدتاً
در گروه سنی
۳۰ تا ۳۴ سال
مادران متولد
شده‌اند و
تعداد فرزندان

روستایی، مسأله دیگر فقط این نیست که جوانان حاضر به ماندن در روستا نیستند، بلکه این است که تعداد جدید کثرت از گذشته جایگزینی نسل قبلی می شود. این تغییر را می توان در ساختار جمعیتی استان دید. در ۷۳ درصد جمعیت استان در سال ۱۳۸۵ تا ۶۵ سال قرار دارند و هنوز بخش بزرگی از جمعیت در سن تولد افتاده است. اما اگر روند کاهش تولد ادامه یابد، همین گروه در سال های آینده به تنهایی نتواند بار بار را خراج خواهد شد و چون کثرتی جای آن را نخواهد گرفت. در چنین شرایطی، این امکان است که روستاها به روستاهای کوچک تبدیل شوند که این نشان دهنده آن است که روستاها به روستاهای کوچک تبدیل می شوند. زمین برای تولید و جمع آوری ماهی است. این تولید کمتر می شود.

چرا جوانان کمتر فرزند می‌آورند؟

هیچ پاسخ ساده‌ای برای این پرسش وجود ندارد. خانواده‌های گیلانی، مانند بسیاری از خانواده‌های ایرانی، در چند دهه گذشته کوچک‌تر شده‌اند. ازدواج دیرتر اتفاق می‌افتد، فرزند اول دیرتر متولد می‌شود و فاصله میان تولد فرزندان بیشتر شده است. میانگین سن مادران گیلانی در سیمه اول امسال ۳۱.۵ سال بوده است. فرزند اول و دوم عمدتاً در ۳۰ رتبه‌سی ۳۴ سال مادران متولد شده‌اند و تولد فرزندان سوم و بعدی بیشتر در سنین ۳۴ تا ۳۸ سال رخ داده است. در جنبه

شرایطی، فرصت برای داشتن خانواده‌های بزرگ جمعیت محدود می‌شود. آمارهای رسمی نیز از تداوم این روند حکایت دارد. امیر حسن‌زاد، مدیرکل ثبت احوال گیلان، با اشاره به کاهش نرخ باروری استان به حدود ۰۸ فرزند به ازای هر زن، نسبت به تداوم کاهش جمعیت هشدار داده است. به گفته او، تفاوت قابل توجه میان شهرستان‌های استان نیز نشان می‌دهد که

یکسان نیست؛ به طوری که نرخ باروری در تالش ۱.۱۴ و در خمام ۰.۴۶ گزارش شده است. این ارقام، در کنار کاهش مولید و پیشگی گرفتن مرگ‌ها از تولدها، نشان می‌دهد که مسأله جمعیت در گیلان از سطح تغییرات مقطعی فراتر رفته و به یکی از چالش‌های جدی آینده استان تبدیل شده است.

اما اقتصاد نیز در این میان نقش خود را دارد. مسکن گران، نااطمینانی اقتصادی، دشواری اشتغال پایدار و هزینه‌های

باغ‌ها و شالیزارهای گیلان به نیروی جوان نیاز دارند

خزان جمعیت در خطه سبز



میانگین سهم سالمندان حدود ۱۲ درصد است، گیلان در صدر جدول سالمندی ایستاده است.

این تصویر از گیلان با تصویری که معمولاً از ایران استان ساخته می‌شود، تفاوت زیادی دارد. گیلان در ذهن بسیاری از ایرانیان سرزمین باران و جنگل و شالیزار است، اما در زیر این سبزی، جامعه‌ای در حال پیرشدن زندگی می‌کند.

وقت کشاورز جوان کم‌تر شود

پیری جمعیت برای گیلان معنایی فراتر از افزایش تعداد سالمندان دارد. اقتصاد ایران، استان هنوز به زمین وابسته است. بزرگ، پستی و تنگی، آب و هوای بی‌جات و محصولات باغی، نه تنها مایه‌ی در فقره‌ی تولیدات کشاورزی نیستند. پشت هر کدام از آنها نیروی انسانی قرار دارد. کشاورزی بدون کشاورز جوان، صنعتی نیست که بتوان آن را صرفاً با سرمایه و ماشین‌آلات گذرین کرد. در بسیاری از مناطق

پرام‌آرام در حال رخ دادن بود حالا آشکارتر
گذشته خود را نشان داده است. زنان و
پسران سالخورده همه جا هستند و جوانان
بچه‌ها تعدادشان کم است.
در نیمه اول اسفند، در کیلان ۷ هزار و
۶۷۱ نوزاد متولد شدند. هفت درصد کمتر
از مدت مشابه سال گذشته، در همین
ناحیه، ۹ هزار و ۶۶۷ نفر جان خود را از
سر دادند. یعنی در شش ماه، مرگ ۲
هزار و ۲۹۵ مورد بیشتر از تولد ثبت شده
است.

این دیگر صرفاً یک نوسان آماری نیست، نرخ رشد طبیعی جمعیت استان به منفی ۰.۱۱ رسیده و نرخ باروری در سال ۱۳۹۴ حدود ۰.۸ اعلام شده است. بسیاری این نرخ ۲.۱ نرخ زنده‌گذاشتن برای حفظ سطح جایگزینی جمعیت لازم دانسته می‌شود. میلان کم که دارد کوچک‌تر نمی‌شود، حدود ۴۶۵ هزار نفر از جمعیت استان باقی می‌ماند؛ نزدیک به ۱۸ درصد کل جمعیت در کشور که

گزارش

هروه ایران زمین

بیرمرد نگاهش را به سمتی می‌برد که شالیزارها تا خط افق کشیده شده‌اند. دستور ارتفاعاتی هستند که با درختچه‌های پیاپی پوشیده شده‌اند. می‌گوید: «صاحبان همه این شالیزارها را می‌شناسم. می‌توانم بگویم که همه‌شان وضع‌شان مثل من است و فرزند ندارند، اگر هم دارند، نوه ندارند. با یچه‌شان از صومعه‌سرا و کیلان رفته‌اند». رشید ۷۵ ساله از نگرانی‌های خود هم ولایتی‌هایش برای آینده باغ‌های چای و مرکبات و شالیزارهای گیوگی: «دور هم که می‌روند حرف هم‌بیش می‌گویند. ما این است که کسی در آینده مراقب باغ و شالیزار است.»

بازیگر که از سال‌ها پیش در کیلان

میدرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری گیلان

گیلان به دو سیاست همزمان نیاز دارد

اگر قرار است جوانان در گیلان بمانند، باید دلیلی برای ماندن داشته باشند. این دلیل بیش از هر چیز به اقتصاد مربوط است: شغل، درآمد، مسکن و امکان ساختن یک زندگی قابل پیش بینی.

زینب نعمت‌زاده، مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری گیلان، در اظهاراتی درباره وضعیت جمعیتی استان، امید به آینده، اشتغال پایدار و مسکن را از مهم‌ترین عوامل

باقی بماند. همزمان باید برای سالمندان نیز برنامه داشت. سالمندی فعال، مراقبت در منزل، مراکز روزانه سالمندان، توسعه خدمات توانبخشی و سلامت روان، مناسب‌سازی شهرها و استفاده از تجربه بانزست‌نگان می‌تواند بخشی از پاسخ باشد. هدف نباید صرفاً این باشد که سالمندان بیشتری تحت مراقبت قرار بگیرند؛ هدف باید این باشد که سالمندان تا جایی که

ممکن است مستقل، فعال و در متن جامعه باقی بمانند. گیلان هنوز تمام ظرفیت‌های خود را از دست نداده است. ۷۳ درصد جمعیت استان در سنین فعالیت قرار دارند و این یعنی هنوز یک فرصت جمعیتی وجود دارد. اما این فرصت دائمی نیست. وقتی نرخ باروری به ۰.۸ می‌رسد، تولدها هفت درصد کاهش پیدا می‌کنند و مرگ‌ها بیش از دو هزار مورد از تولدها پیشی می‌گیرند، دیگر نمی‌توان مساله را به آینده واگذار کرد. گیلان در برابر یک انتخاب جمعیتی قرار گرفته است: یا باید اقتصاد و سرمایه‌های اجتماعی خود را با جماعه‌ای که پیرتر می‌شود سازگار کند و همزمان شرایطی فراهم آورد که خانواده‌های جوان امکان ماندن و فرزندآوری داشته باشند، یا در سال‌های آینده با ترسیمی از کم‌روی کار کمتر، سالمندان بیشتر و هزینه‌های اجتماعی و درمانی بالاتر روبرو خواهد شد. این شاید بزرگ‌ترین تناقض گیلان باشد. استانی با زمین‌های حاصلخیز و ظرفیت‌های اقتصادی فراوان که بیش از هر زمان دیگری به جوانانی نیاز دارد که در آن بمانند، کار کنند و خانواده تشکیل دهند.

مؤثر بر تصمیم جوانان برای ازدواج و فرزندآوری دانسته است. به گفته او، سیاست‌گذاری برای جوانی جمعیت بدون توجه به این مؤلفه‌ها نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد و کاهش فاصله زمانی میان ازدواج و تولد اولین فرزند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. او اظهارات بر یک واقعیت مهم تاکید دارد: تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری، زمانی می‌تواند اثربخش باشد که جوانان از امکان اشتغال، تأمین مسکن و ساختن آینده‌ای قابل اتکا برخوردار باشند. توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند یکی از همین مسیرها باشد. گیلان نباید تنها تولیدکننده برنج، چای، زیتون یا مرکبات باشد؛ باید بتواند ارزش افزوده بیشتری از این محصولات در داخل استان ایجاد کند. این کار هم درآمد کشاورزان را افزایش می‌دهد و هم فرصت‌های شغلی تازه‌ای برای نسل جوان ایجاد می‌کند. گردشگری نیز می‌تواند بخشی از پاسخ باشد، اما نه صرفاً با افزایش تعداد گردشگران. گیلان به گردشگری‌ای نیاز دارد که اشتغال پایدار ایجاد کند و درآمد آن در شهرها و روستاهای استان

A wide river with extremely muddy, brown water flowing through a concrete dam structure. A yellow truss bridge is visible in the background against a backdrop of mountains.

ساختاری دنبال شود. در غیر این صورت، ممکن است برخی نقاط پهن‌تر یا مدتی دوباره با موانع مشابه مواجه شوند و نیاز به تکرار عملیات پیدا کنند.

بیکردنی‌یادار در این حوزه، علاوه بر رفع مشکلات موجود، بر جلوگیری از شکل‌گیری مجدد شرایط خطرناک نیز تأکید دارد. در نهایت، عملکرد خزان‌های شمالی در برابر سیلاب‌های پاییزی به میزان پیشرفت عملیات اجرایی و توانایی دستگاه‌ها برای تکمیل اقدامات پیش از بارندگی‌های شدید وابسته است. بازگشایی و لایروبی ۱۷۰ نقطه از مجموع ۲۲۰ نقطه هدف، گامی مهم در مسیر کاهش آسیب‌پذیری محسوب می‌شود؛ اما وجود ۴۸ تپه قاطعی فاقد آبگذری مناسب، ضرورت تداوم برنامه‌های این زیرساختی را یادآوری می‌کند. همکاری، تأمین نقاط یابی‌نایافته، تعیین تکلیف سازه‌های ناله‌دار و هماهنگی عملیاتی میان دستگاه‌های مسئول، از اجزای کلیدی مسیر هسته‌ای در استان ۶ هزار و ۶۰۰ کیلومتر رودخانه و مسیل، اما ماندگاری واقعی برای مواجهه با سیلاب زمستانی تقویت می‌شود که اقدامات پیشگیرانه به برنامه‌های مستقر، اولویت‌محور و قابل ارزیابی تبدیل شود و کاهش خطر برای جان و مال مردم، معیار اصلی سنجش عملکرد دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

شود و موانع اجرایی در زمان مناسب مورد رسیدگی قرار گیرند. هماهنگی نهادهای، به‌ویژه در محدوده‌هایی که همسایر رودخانه را راه، یا تأسیسات دیگر تاقی دارد، می‌تواند از تأخیر در اجرا اقدامات ضروری جلوگیری کند. در کنار اقدامات عمرانی، پایش مستمر وضعیت رودخانه‌ها و مسیلهای نیز باید بخشی از برنامه آمادگی استان باشد. شرایط ستر رودخانه‌ها ممکن است در فاصله میان دو دوره بازنگری تغییر کند و رسوبات یا موانع تازه‌ای در برخی مقاطع شکل بگیرند. بنابراین، بررسی عملیات لایروبی به معنای پایان مسئولیت دستکارهای اجرایی نیست و بررسی مجدد نقاط حساس پیش از بارش‌های مؤثر ضرورت دارد. توجه به وضعیت دهانه پل‌ها، مسیرهای آبی و روان آب در محدوده‌های سکونی و قناتی که سبب آفریگتی دارند، می‌تواند در شناسایی زوهدنگام داشته و جلوگیری از تشدید آنها نقش داشته باشد. از سوی دیگر، کاهش خطر سیلاب مستلزم توجه به نحوه استفاده از حرم و ستر رودخانه‌هاست. مداخلات انسانی، تغییرات اقدامده در مسیر جریان، استقرار سازه‌های نامناسبی می‌تواند ظرفیت طبیعی انتقال آب را محدود کند. از این رو، اقدامات کوتاهمدت مانند لایروبی باید در نظر نگرفته شود و رودخانه‌ها به بررسی مشکلات

برنامه‌ای را مرحله‌بندی شده است، در این فرایند، باید میان اقداماتی که با پاسکاری و رفع موانع قابل انجام و موردی که به اصلاح، بازسازی یا افزایش ظرفیت سازه نیاز دارند، تفکیک قائل شد. تعیین سئویتیست دستگاه‌های مولی، برآورد نیازهای اجرایی و مالی و مشخص کردن زمان بندی مداخلات نیز یکی از جلوه‌های این فایده‌مندی‌هاست. به توجّه به گستردگی محدوده‌های مورد نیاز برای ساماندهی، اجرای همزمان همه اقدامات ممکن است امکان‌پذیر نباشد؛ از همین رو، تمرکز بر نقاط کلیدی ایجاد اختلال در جریان آب و تهدید منابع آلاینده دست در آنها بیشتر است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

پایش مستمر و لایروبی رودخانه‌ها
 س‌سوی دیگر، مدیریت خطر سیلاب
 به همکاری مستمر دستگاه‌ها
 اجرایی وابسته است. شرکت آب
 منطقه‌ای، مجموعه‌های مسئول راه‌ها
 به‌ی‌ها، مدیریت شهری و روستایی
 دیگر دستگاه‌ها عضو ستاد
 مدیریت بحران، هر یک در بخشی
 از زنجیره پیشگیری و پاسخ‌گویی
 مسئولیت دارند. ابلاغ فهرست نقاط
 آسیب‌پذیر، زمانی به نتیجه مؤثر منجر
 می‌شود که اقدامات مورد انتظار از
 هر دستگاه به‌صورت باشد، روند
 پی‌گیری کار به‌صورت منظم پی‌گیری

در مرحله دوم
طرح نهضت
۲۰۵ نقطه
تسبیب پذیر
جدید
شناسایی
شده است.
این تعداد در
کنار ۲۵ نقطه
باقی مانده از
مرحله نخست،
مجموع نقاط
۲۳۰ فراخور

ایروپیی محدود نیست و پاکسازی دهانه پل و رفع موانعی از زیر دربر می گیرد که ممکن است ظرفیت عبور جریان آب را کاهش دهند. تجمع رسوبات، انباشت پسماندها و وجود موانع در مسیر رودخانه‌ها و زیرساخت‌های عبوری می تواند در زمان افزایش دبی، شرایط عبور آب را دشوار کند. در چنین وضعیتی، جریان آب مسدود یا به مناطق مجاور آن پدید آید و به زیرساخت‌ها و زمین‌های اطراف آسیب برساند. از این رو، بازبینی وضعیت مسیریهای انتقال روان‌آب باید با توجه به ویژگی‌های فنی هر محدوده انجام شود و صرف پاکسازی ظاهر، جایگزین ارزیابی ظرفیت واقعی آبگذری نشود.

برای پیشبرد عملیات، ۸۴ دستگاه ماشین‌آلات سنگین به کار گرفته شدند. ظرفیت این کارکنان امکان اجرای همزمان بخشی از فعالیت‌های لازم برای بازگشایی را در نقاط مختلف فراهم می‌کند. به این حال، نحوه استقرار تجهیزات، دسترسی به محدوده‌های هدف و هماهنگی میان گروه‌های اجرایی از جمله عواملی هستند که بر سرعت و کیفیت پیشرفت کار تأثیر می‌گذراند. توزیع ماشین‌آلات بر اساس اولویت‌های تعیین شده و نظارت بر نحوه عملیات، می‌تواند از پراکندگی منابع جلوگیری کند و تمرکز بیشتری بر نقاطی ایجاد کند که انسداد آنها پیامدهای گسترده‌تری دارد. یکی از موضوعات مهم در ارزیابی آمادگی است، صنعت برای سیلاب‌های پاییزی، وضعیت سازه‌های تقاطعی است. شناسایی ۴۶۸ سازه تقاطعی فاقد آذگزی مناسب، بیانگر وجود مسأله‌ای زیرساختی است که نمی‌توان آن را صرفاً با لایروبی مقاطع سازه‌خانه‌ای برطرف کرد. سازه‌هایی که ظرفیت عبور آب در آنها با شرایط جریان متغایب نیست، ممکن است در زمان بارش‌های شدید به نقاط

نتیجه، حتی اگر بخش‌های بالادست و پایین‌دست یک مسیر پاکسازی شده باشند، تداوم مشکل در محل عبور آب می‌تواند کارایی اقدامات انجام‌شده را کاهش دهد. رسیدگی به این تعداد سازه نیازمند بررسی‌های فنی، تعیین سطح خطر و تدوین

مسئله‌های خراسان شمالی با هدف ساماندهی نقاط آسیب‌پذیر و افزایش آمادگی در برابر بارش‌های پیش‌رود در حال اجراست. «بزرگ‌امیر» مدیر رودخانه‌های شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی، با تشریح روند اجرای این برنامه اعلام کرده که عملیات براساس مصوبات ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات بارش‌خیز به بحران استان دنبال می‌شود. در این مرحله، شناسایی نقاط نیازمند مداخله

زمینه اجرای اقدامات متناسب با وضعیت هر محدوده و فراهم کردن اوسم طرح، ۲۰۵ نقطه آسیب‌پذیر جدید شناسایی شده است. این تعداد در کنار ۲۵ نقطه باقی‌مانده از مرحله اول، مجموع نقاط خطر شناسایی شده، بخش‌هایی از رودخانه‌ها و مسیرها را شامل می‌شوند که در زمان عبور روان آب با احتمال بروز مشکل مواجه‌اند؛ همچنین سازه‌های تقاطعی و مقاطعی که وضعیت موجود آنها می‌تواند عبور و جریان آب را مختل کند، در شمار این نقاط قرار دارند. شناسایی این محدوده‌ها به دستگاہ‌های عضو مدیریت بحران ابلاغ شده تا عملیات مورد نیاز، متناسب با شرایط هر قطار، انجام شود. طبق آخرین اتمام اعلام‌شده، تاکنون ۱۷۰ نقطه از مجموع ۲۳۰ نقطه خطر در مرحله دوم، بازگشایی و لایروبی شده است. این رقم نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از تعداد شناسایی‌شده وارد مرحله اجرا شده‌اند، اما تکمیل عملیات در نقاط باقی‌مانده نیز برای دست‌یابی به پوشش پیشگیرانه مورد نظر اهمیت دارد. دولت‌معالیه با موارد با در نظر گرفتن میزان خطر، شرایط فنی و سیریسره و احتمال تأثیر انسدادها بر مناطق مسکونی، راه‌های ارتباطی و اراضی کشاورزی دنبال شود.

در مسیر جریان و میزان آمادگی زیرساخت‌های شهری و روستایی نیز در تعیین ابعاد حادثه نقش دارند. از این منظر، اقدامات پیشگیرانه پیش از آغاز زلزله‌گردی‌های مؤثر، بخشی اساسی از مدیریت خطر محسوب می‌شود؛ اقداماتی که در صورت اجرای به‌موقع و هدفمند می‌توانند احتمال انسداد مسیرهای طبیعی آب را کاهش دهند و فرصت بیشتری برای مدیریت شرایط اضطراری فراهم کنند.

دیروبی ۲۳۰ نقطه پرخطر

خراسان شمالی به دلیل موقعیت جغرافیایی، برخورداری از مناطق گسترده‌ای و گستردگی شبکه رودخانه‌ها و سیل‌ها، در برابر مخاطرات جدی و طبیعی آسیب‌پذیری قابل توجهی دارد. سیل، طوفان، زلزله و عبورپذیری جملہ حواندی هستند که در سال‌های مختلف به بخش‌هایی از این استان خسارت وارد کرده‌اند و مناطق روستایی نیز در شمار کانون‌های در معرض آسیب قرار دارند. این استان با جمعیتی حدود یک میلیون نفر، ۱۰ شهرستان و ۲۸ هزار کیلومتر مربع مساحت، در شمال شرق کشور واقع شده است؛ ویژگی‌هایی که ضرورت توزیع متناسب امکانات، شناسایی نقاط پرخطر و هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول را برجسته می‌کند. براساس اطلاعات موجود، خراسان شمالی ۶ هزار و ۶۰۰ کیلومتر رودخانه و مسیل دارد که ۲ هزار و ۲۰۰ کیلومتر آن به رودخانه‌ها و مسیل‌های اصلی اختصاص یافته است. چنین گسترده‌ای سیل‌های طبیعی، احتمال بروز مخاطرات و آسیب‌های مأموریتی مستمر و فراتر از اقدامات مقطعی تبدیل می‌کند. باکساری، بسترها، برطرف کردن منابع جریان، بررسی وضعیت سازه‌های تاقطایی و رسیدگی به قاطی که در زمان بارندگی با کاهش ظرفیت عبور آب مواجه می‌شوند، از جملہ اقدامات استیونسازی می‌تواند در مسیر آسیب‌پذیری مناطق واقع در کشوران آب‌ها مؤثر باشد. این حال، ارتقشی این اقدامات به شناسایی دقیق اولویت‌ها و پیکردی مستمر عملیات وابسته است.

در همین چارچوب، مرحله دوم نهضت لایروبی رودخانه‌ها و

گزارش

مروه ایران زمین

فراسان شمالی در آستانه فصل بارش‌های پاییزی، با اجرای مرحله دوم نهضت لایروبی رودخانه‌ها و میله‌ها و پاکسازی دهانه پل‌ها، کاهش خسارت‌های احتمالی سیلاب‌گسترش داده است. بر اساس امار اعلام‌شده از سوی شرکت آب منطقه‌ای استان، از مجموع ۲۳۰ نقطه آسیب‌پذیر شناسایی شده در مرحله دوم این طرح، تاکنون ۱۷۰ نقطه ارتقا و لایروبی شده است. اجرای عملیات با مشارکت دستگاه‌های عضو ستاد مدیریت بحران و به‌کارگیری ۸۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین، بر افزایش ظرفیت عبور جریان آب و کاهش احتمال انسداد مسیرهای انتقال روان‌آب متمرکز شده. با این حال، شناسایی ۴۴۸ سازه تقاطعی اقل‌گذری مناسب نشان می‌دهد که آمادگی در برابر سیلاب تنها به احداث قطعی رودخانه‌ها محدود نمی‌شود و اصلاح زیرساخت‌های سازه دار، تعیین اولویت‌های جری و نظارت مستمر بر حرم و تیر رودخانه‌ها نیز باید در کانون برنامه‌های مدیریت بحران استان قرار گیرد. در آستانه ۱۰ شهرستان، مساحت بیش از ۲۸ هزار کیلومتر مربع و گستره قابل توجه رودخانه‌ها مسیل‌ها، هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول و تکمیل اقدامات پیشگیرانه پیش از تشدید بارش‌ها، شغلی تعیین‌کننده در حفاظت از جان شهروندان، زیرساخت‌های ارتباطی و امنی کشور است.

نازدیک شدن به فصل بارش‌های پاییزی، مدیریت خطر سیلاب خراسان شمالی بار دیگر به یکی از محورها مهم برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی استان تبدیل شده است. تجربه وقوع روان‌آب‌های شدید نشان می‌دهد که میزان خسارت ناشی از بارندگی، صرفاً به حجم بارش وابسته نیست؛ ضعیف‌ترین رودخانه‌ها، ظرفیت عبور آب از زیرپل‌ها، وجود موانع